



درنگی در تاریخ فراموش شده

به کوشش: محمدحسین خوشنویس



تاریخ پرفراز و نشیب سرزمین عبرت‌انگیز عراق، که یکی از عجایب هفت‌گانه دنیا را در خود دارد، آکنده از حوادث تلخ و شیرینی است که تأملی هرچند کوتاه در آن، می‌تواند تأثیراتی بس شگفت در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و از همه مهم‌تر مذهبی داشته باشد.

این نوشته، منتخبی از کتاب ارزشمند «بازسازی تاریخ فراموش شده» اثر جناب آقای سید علی موجانی است. در این کتاب نویسنده محترم تلاش کرده تا به پنجاه مورد از مهم‌ترین مقاطع تاریخی از سال ۳۶۳ تا ۱۳۳۹ قمری بپردازد. نویسنده کوشیده تا میان این رویدادها، نوعی به هم‌پیوستگی منطقی و در عین حال قابل قبول ایجاد شود.

• در محرم سال ۳۶۳ قمری برخی از ناصبی‌های بغداد، اقدام به شبیه‌سازی جنگ جمل نموده و بدین‌وسیله برای ناکثین (پیمان‌شکنان) که به دست امیرمؤمنان علی علیه السلام به هلاکت رسیدند، اظهار تظلم‌خواهی و سوگواری کردند. این توطئه که به موازات مراسم تعزیه‌خوانی و عزاداری روز عاشورا در «محلہ کرخ» کاظمین صورت گرفت، به درگیری شدیدی میان طرفین و حتی کشته و زخمی شدن تعدادی از آنها منجر شد.

• سه سال بعد به همت «عضدالدوله دیلمی»^۱ اولین ضریح پولادین بر روی تربت پاک امیرمؤمنان علی علیه السلام ساخته شد.

• عضدالدوله هم‌چنین اولین محفل شعر و ادب را در موضوع مقام امیرمؤمنان علیه السلام در نجف اشرف ترتیب داد. این جلسه با حضور صاحب‌نظران و اندیشمندان تشکیل شد. عضدالدوله به سبب این دو خدمت ارزشمندش، مورد عنایت مولای متقیان قرار گرفت.

علامه مجلسی (ره) قضیه‌ای را نقل می‌کند که قابل توجه است:

«عمران بن شاهین»^۳ پس از جنگ با عضدالدوله، به حرم امیرمؤمنان علی علیه السلام در نجف اشرف پناه برد. در هنگام استراحت در حرم مطهر به خواب رفت و در عالم رؤیا امیرمؤمنان علی علیه السلام را دید که او را خطاب کرده و می‌فرماید: فردا «فنا خسرو»^۴ برای زیارت به این جا می‌آید و خدا را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرینش سوگند می‌دهد که در جنگ بر تو غلبه کند. در همین حال به او نزدیک شو و بگو: اگر کسی تو را بر او (عمران بن شاهین) پیروز کند، چه مژدگانی به او می‌دهی؟ و قبل از این که پاسخی دهد، خودت را به او معرفی کن؛ آنچه از او انتظار داری، از جانب او به تو خواهد رسید.

• عمران بعد از رسیدن عضدالدوله، دقیقاً به دستورات حضرت عمل می‌کند و در خطاب به او از نام «فنا خسرو» که لقب دوران کودکی عضدالدوله بوده، استفاده کرد؛ لقبی که غیر از مادر و دایه‌اش، شخص دیگری از آن خبر نداشت. عضدالدوله با شنیدن لقب دوران کودکی‌اش و جویا شدن ماجرای خواب عمران، به صدق رؤیای او یقین کرد و دلش به رحم آمد و خلعتی گران‌بها نیز به او بخشید. عمران نیز به شکرانه رفع این غائله، خود را وقف آباد کردن عتبات نمود.^۵

• سه سال بعد در سال ۳۹۹ قمری در اذان برخی از مساجد بغداد، به ولایت امیرمؤمنان علی علیه السلام شهادت داده شد. این بند از اذان که بعد از شهادت به وحدانیت خدا و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله به شهادت ثالثه معروف است، نخستین بار در مسجدی به نام «قطیعه» اظهار شد و سپس توسط عالمی سنی به نام «ابومنصور» که امام جماعت و خطیب مسجد «بُرائه» بود، ادامه یافت^۶ و شاید این واقعه و حوادثی مانند آن، مقدمه‌ای برای رفع برخی اختلافات در میان اکثریت اهل سنت بغداد و اقلیت شیعیان کاظمین در سال‌های بعد بود.

• ابن‌اثیر، مؤلف معروف اهل تسنن می‌نویسد: در ماه شعبان سال ۵۰۲ هجری اهل سنت بغداد برای بازدید از قبر مصعب بن زبیر عوام آماده می‌شدند. آنان سال‌های بسیاری برای جلوگیری از به وجود آمدن فتنه‌های مذهبی، از این کار خودداری می‌کردند. چون خواستند که از محلہ شیعه‌نشین کرخ کاظمین عبور کنند و برای برگزاری این مراسم نیز تبلیغات فراوان کرده بودند، شیعیان نیز در مقابل، به این اجماع رسیدند که با آنان درگیر نشوند و از حرکتشان به سوی قبر مصعب جلوگیری نکنند. اهل سنت به همراه زر و زیور و کالاهای فراوان حرکت خود را آغاز کردند. ساکنین محلہ «باب المرتب» مجسمه فیلی از جنس چوب ساختند و چند مرد مسلح نیز روی آن نشستند؛ اما همین که به کرخ رسیدند،

شیعیان با عود و عنبر و گلاب و مشک‌های آب خنک به استقبال آنها رفتند و از دیدارشان اظهار شادمانی کردند، تا این‌که از محله کرخ بیرون رفتند و شیعیان برای بدرقه نیز آنان را مشایعت کردند و این جریان به خیر گذشت. در نیمه شعبان همان سال نیز شیعیان به قصد زیارت حرم کاظمین حرکت کردند و هیچ‌یک از سنی‌های منطقه کاظمین، متعرض آنها نشدند؛ به طوری که این امر، همه مردم را به شگفتی واداشت.^۶

• در ماه شعبان سال ۵۰۲ ق اهل سنت بغداد برای بازدید از قبر مصعب بن زبیر عوام آماده می‌شدند. آنان سال‌های بسیاری برای جلوگیری از به وجود آمدن فتنه‌های مذهبی، از این کار خودداری می‌کردند. چون خواستند که از محله شیعه‌نشین کرخ کاظمین عبور کنند و برای برگزاری این مراسم نیز تبلیغات فراوان کرده بودند، شیعیان نیز در مقابل، به این اجماع رسیدند که با آنان درگیر نشوند و از حرکتشان به سوی قبر مصعب جلوگیری نکنند.

• در موضوع عتبات مقدس عراق، سفرنامه‌های گوناگونی نگاشته شده که یکی از قدیمی‌ترین آنها، سفرنامه‌ای است که «ابن بطوطه»^۸ در طول چهل سال سفر به کشورهای مختلف نوشته است. او در سفری که در سال ۷۲۶ ق به عراق و شهرهای مقدس آن مانند کربلا و نجف داشته، توصیفات جالبی از این مکان‌های تاریخی - مذهبی دارد که محیط رؤیایی آن روز منطقه را برای خواننده ترسیم می‌کند. ابن بطوطه در قسمتی از این سفرنامه می‌نویسد:

کربلا شهر یست کوچک با نخلستان‌هایی در اطراف، که از آب فرات سیراب می‌شوند. حرم امام حسین علیه السلام در مرکز شهر واقع شده و مدرسه‌ای بزرگ و مهمان‌سرای مجلل برای عموم زائرین در کنار این حرم مطهر ساخته شده است و دربان‌هایی در کنار درب اصلی حرم ایستاده‌اند و اعلام می‌کنند که هیچ‌کس حق ندارد بدون اجازه آنها وارد حرم شود. زائرین پس از داخل شدن به حرم، ضریح مبارک را می‌بوسند. این ضریح از نقره ساخته شده است. همچنین پرده‌هایی از ابریشم و حریر جلوی درب‌ها آویخته‌اند.^۹

• یک سال بعد از سفر ابن بطوطه، «سلطان محمد خدابنده» پادشاه ایلخانی ایران، مدرسه علمیه‌ای را در نجف اشرف تأسیس کرد. تأسیس این مدرسه توسط سلطان محمد در سال ۷۲۷ ق متأثر از تلاش فرهنگی و حاصل تعلیمات مرحوم علامه حلی (ره) و نفوذ کلام ایشان در دربار ایلخانیان بود که اتفاقاً منجر به گرایش روزافزون درباریان و شخص شاه به مذهب حق امامیه شده بود.^{۱۰}

• از این‌گونه علمای بزرگ شیعی در تاریخ کم نبودند که سعی می‌کردند با استفاده از نفوذ کلام خود در نزد پادشاهان، البته همراه با آزادمنشی و آزاداندیشی کامل، از صدمات سیاسی وارد شده بر پیکر تشیع بکاهند تا بلکه شیعه نفس راحتی بکشد.

• «سلطان محمد خدابنده» پادشاه ایلخانی ایران، مدرسه علمیه‌ای را در نجف اشرف تأسیس کرد. تأسیس این مدرسه توسط سلطان محمد در سال ۷۲۷ ق متأثر از تلاش فرهنگی و حاصل تعلیمات مرحوم علامه حلی (ره) و نفوذ کلام ایشان در دربار ایلخانیان بود.

• حدوداً دو قرن بعد، شاه طهماسب صفوی چنین اقدامی را برای مرکزیت دادن به فعالیت‌های علمی «ملا عبدالله بهابادی یزدی» صاحب کتاب معروف «حاشیه» انجام داد؛ کتابی که در علم منطق نوشته شده و در گذشته نه‌چندان دور، یکی از کتب درسی حوزه علمیه بود. هم‌چنین شاه طهماسب از ملا عبدالله خواست تا تولیت آستان قدس علوی را بر عهده بگیرد؛ ولی أجل مهلت نداد و ملا عبدالله مدتی بعد در سال ۹۸۰ ق رحلت نمود.^{۱۱}

• تأثیرات علمای شیعه در طول دوران حکومت صفویه نیز کم‌نظیر و شاید بی‌بدیل بوده؛ مثلاً شاه عباس اول وقف‌نامه‌ای را به قلم شیخ بهایی و به هدایت او مبنی بر وقف همه اموال و دارایی‌های شخصی‌اش صادر کرد.^{۱۲} برای مثال سهم حرم کاظمین در هر سال از این موقوفات ۳۷۵ تومان بود.

• در سال ۱۰۳۲ ق شاه عباس به زیارت حرم امیرمؤمنان علی علیه السلام مشرف شد. نقل است که وقتی به دروازه شهر نجف رسید و چشمانش به گنبد مطهر افتاد، به سرعت از مرکب به زیر آمد و تاج از سر برداشت و پیاده به حرکت خود ادامه داد و در مدت ده روز

اقامت در نجف، به مانند خادمی، به نظافت و غبارروبی آن مکان مقدس مشغول بود.^{۱۲}

• شاه طهماسب از ملاعبده الله خواست تا تولیت آستان قدس علوی را بر عهد بگیرد؛ ولی اجل مهلت نداد و ملاعبده الله مدتی بعد در سال ۹۸۰ ق رحلت نمود.

• هم‌چنین در حضور شاه که برای زیارت، به نجف و کاظمین مشرف شده بود، خطبه‌های نماز جمعه به نام ائمه اثناعشر و مطابق با فقه امامیه ایراد شد. یکی دیگر از برنامه‌های شاه عباس، حضور در حرم مطهر امام حسین علیه السلام برای لحظه تحویل سال ۹۹۰ شمسی بود.

• تأثیرات علمای شیعه در طول دوران حکومت صفویه نیز کم‌نظیر و شاید بی‌بدیل بوده؛ مثلاً شاه عباس اول وقف‌نامه‌ای را به قلم شیخ بهایی و به هدایت او مبنی بر وقف همه اموال و دارایی‌های شخصی‌اش صادر کرد. برای مثال سهم حرم کاظمین در هر سال از این موقوفات ۳۷۵ تومان بود.

باید گفت که در حقیقت رسمی شدن مذهب تشیع در ایران، آن هم در دوره حکومت صفویه که با هدایت علما از یک سو، و مناسبات عمیق مذهبی ایران و عراق از سوی دیگر و هم‌چنین تلاش برای برقراری ثبات و آرامش در بین مردم و برطرف نمودن فتنه‌های مذهبی در عراق، دست به دست هم داد تا شورایی متشکل از علمای بزرگ شیعی و سنی در نجف اشرف منعقد شود تا در جهت حقانیت و تثبیت مذهب امامیه به نقد و نظر بپردازند. رسالت این شورا نقد و بررسی موارد اختلافی در قالب ارائه استدلال و برهان از سوی طرفین بود، تا این که در سال ۱۱۵۶ ق، مجمع عمومی شورا در بیانیه‌ای اعلام نمود که رکن مستقلی به عنوان «رکن پنجم مذاهب اسلامی» برای مذهب امامیه قرار داده شد و امامیه بدین ترتیب در بین مذاهب تثبیت شد. لازم به ذکر است که هشت سال پیش از این، مطابق با میثاق ۱۱۴۸ ق مذهب امامیه، صرفاً شریکی برای رکن شافعیه شمرده می‌شد.

• همیشه این‌گونه نبوده که علما فقط در امور مذهبی فعالیت داشته باشند؛ بلکه علما گاهی برای بهبود زندگی مردم، کارهای بسیاری انجام می‌دادند؛ مانند حصار شهر نجف که با حمایت و پشتیبانی علمای این خطه و با همت مردم در سال ۱۲۰۳ ق ساخته شد

و هم‌چنین عملیات حفر نهری که بعدها به «نهر هندی» معروف شد، از این گونه است. این طرح در سال ۱۲۰۵ ق با حمایت مادی و معنوی آیت‌الله سید علی طباطبایی (صاحب ریاض المسائل) با هدف افزایش ورودی آب به دریاچه نجف و پیش‌گیری از خشک شدن آن انجام شد. مرحوم صاحب جواهر نیز در سال ۱۲۶۳ ق با کمک مالی شیعیان هند، اقداماتی را برای توسعه و تعریض همین شهر صورت داد، اما شیرینی این اصلاحات چند سال بعد با جنایت وهابیون در کام مردم تلخ شد.

• همیشه این‌گونه نبوده که علما فقط در امور مذهبی فعالیت داشته باشند؛ بلکه علما گاهی برای بهبود زندگی مردم، کارهای بسیاری انجام می‌دادند؛ مانند حصار شهر نجف که با حمایت و پشتیبانی علمای این خطه و با همت مردم در سال ۱۲۰۳ ق ساخته شد و هم‌چنین عملیات حفر نهری که بعدها به «نهر هندی» معروف شد، از این گونه است.

• در روز عید غدیر سال ۱۲۱۶ ق، پیاده‌نظامی با دوازده هزار نفر نیرو به فرماندهی شخصی به نام «ابن سعود» به کربلای معلای یورش برد و در حرم مطهر ابا عبدالله علیه السلام به قتل عام مردم پرداختند. ضریح مقدس را تخریب کردند و صندوق چوبی روی تربت پاک را سوزاندند. آنان هر پیر و جوان و هر مرد و زنی را از دم تیغ گذراندند و نزدیک به پنج‌هزار نفر را به شهادت رساندند. آنان بی‌شرمانه زنان را در انظار عمومی برهنه کردند و سینه‌های‌شان را دریدند و دست و پا شکسته به حال خویش رها کردند.^{۱۴} گفته می‌شود تمام این جنایات و هتاک‌ها فقط در عرض شش ساعت یعنی نصف روز (صبح تا ظهر) واقع شده است. همین وهابی‌ها دو سال بعد، یعنی در سال ۱۲۱۸ ق قصد یورش به نجف اشرف را داشتند که نقشه‌شان به علت وجود حصار که پانزده سال قبل به دور نجف کشیده شده بود، نقش بر آب شد.^{۱۵}

فقهای شیعه در وادی سیاست نیز خدمات مهمی انجام دادند. مرحوم شیخ جعفر کبیر، معروف به «کاشف الغطاء» صاحب «مفتاح الکرامه» که در آن زمان مقیم نجف بود، چند رساله اجتهادی به نام «نمایة المراد» نوشت و آنها را با هدف تشویق دولت و ملت ایران به جهاد علیه کفار روس، برای فتح‌علی شاه قاجار فرستاد.

• در روز عید غدیر سال ۱۲۱۶ ق، پیاده‌نظامی با دوازده هزار نفر نیرو به فرماندهی شخصی به نام «ابن‌سعود» به کربلای معلای یورش برد و در حرم مطهر ابا عبد الله علیه السلام به قتل‌عام مردم پرداختند. ضریح مقدس را تخریب کردند و صندوق چوبی روی تربت پاک را سوزاندند. آنان هر پیر و جوان و هر مرد و زنی را از دم تیغ گذراندند و نزدیک به پنج‌هزار نفر را به شهادت رساندند.

• مهاجرت علامه سید مهدی قزوینی از نجف به حله نیز به دلایل سیاسی و مذهبی بود. ایشان پس از مهاجرت به حله و دعوت قبایل و عشایر به مذهب امامیه، توانست نزدیک به هزار نفر را شیعه کند. گفته شده علت اصلی مهاجرت علامه قزوینی به حله، درخواست شیخ حسن کاشف‌الغطاء بوده تا بدین وسیله حوزه علمیه منطقه حله با مهاجرت شیخ حسن به نجف، از رونق و جنب و جوش علمی بازماند.

• مهاجرت علامه سید مهدی قزوینی از نجف به حله نیز به دلایل سیاسی و مذهبی بود. ایشان پس از مهاجرت به حله و دعوت قبایل و عشایر به مذهب امامیه، توانست نزدیک به هزار نفر را شیعه کند.

• روز عید غدیر سال ۱۲۵۸ ق نیز مانند سال‌های قبل، به خون شیعیان رنگین شد و از آن سال عید غدیر شیعه «غدیر خون» نام گرفت. در این روز «محمد نجیب‌پاشا» که والی دولت عثمانی در بغداد بود، به کربلا هجمه گسترده‌ای برد و نقل شده که تا ده‌هزار نفر را به شهادت رساند. نجیب‌پاشا بی‌شرمی را به جایی رساند که با جمعی از نظامیان به قصد اهانت به ساحت مقدس امام حسین علیه السلام سوار بر اسب وارد حرم مطهر آن بزرگوار شد. نجیب‌پاشا از آن زمان به «یزیدپاشا» معروف شد. دولت عثمانی وقیحانه به عاملان این جنایت و اهانت، نشان مخصوص نظامی داد.^{۱۶} یک سال بعد ماجد علی‌شاه که یک مهاراجه هندی بود، تعمیراتی را در حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام صورت داد. خسارات سنگینی که محمد نجیب به حرم وارد آورده بود، توسط ماجد علی‌شاه برطرف شد.^{۱۷}

• از سوی دیگر، این سال‌ها دوران پدید آمدن و انتشار فرقه منحرف بابیه است که هم علمای شیعه نسبت به آن احساس خطر می‌کردند و هم برخی از علمای اهل سنت. به همین دلیل شیخ حسن کاشف‌الغطاء که از حله به نجف آمده بود، با هماهنگی علمای

سنی بغداد تلاش می‌کرد تا با برگزاری مجالس مباحثه و مناظره، ساختگی بودن و انحراف این فرقه را برملا نماید.^{۱۸}

• روز عید غدیر سال ۱۲۵۸ ق نیز مانند سال‌های قبل، به خون شیعیان رنگین شد و از آن سال عید غدیر شیعه «غدیر خون» نام گرفت. در این روز «محمد نجیب‌پاشا» که والی دولت عثمانی در بغداد بود، به کربلا هجمه گسترده‌ای برد و نقل شده که تا ده‌هزار نفر را به شهادت رساند.

• اقدامات بابی‌ها و وهابی‌ها در ناآمن کردن مسیر عبور زوار، تنی چند از علمای بر آن داشت تا فتوایی صادر کنند مبنی بر عدم عزیمت زوار برای زیارت به عتبات.^{۱۹}

• در همین روزها صدراعظم نام‌آور ایران، امیرکبیر که با فرمان قتل علی‌محمد شیرازی غائله باب را خاموش کرده بود، با توطئه عوامل روس و با همدستی پیروان باب کشته شد. جنازه ایشان را بنا بر وصیتش به کربلا آوردند و از محل ثلث اموالش مدرسه‌ای به نام «صدر اعظم» ساخته شد.^{۲۰} بعد از شهادت امیرکبیر، ناصرالدین شاه که به عتبات سفر کرده بود، با بی‌اعتنایی میرزای شیرازی مواجه شد و میرزا درخواست وی را برای ملاقات خصوصی رد کرد، تا این که سرانجام روزی ناصرالدین شاه توانست مرحوم میرزا را در حرم سامراء ملاقات کند.

• در حدود سال‌های ۱۲۶۹ نجف اشرف شاهد حضور پرشور طلاب بود. ادیب‌الممالک قاجار در این باره می‌نویسد:

چیز غریبی که در آن‌جا ملاحظه شد، این است که بعد از نماز مغرب و عشاء بیش از هزار نفر از طلاب که قطعاً دویست نفر از آنان مجتهدند، هر شب در رواق حرم علوی مشغول مباحثه علمی هستند.^{۲۱}

• اولین روزنامه محلی نجف اشرف نیز به نام «زوراء» در همین زمان منتشر شد.^{۲۲}

• در این فضا شیخ فضل‌الله نوری زیر نظر میرزای شیرازی، با آن بصیرت و بینش مخصوص خود، در حوزه نجف رشد کرد و بعد از گرفتن اجازه روایت از ایشان، در سال

۱۲۸۸ق از نجف به تهران مهاجرت کرد. شَمّ سیاسی میرزای شیرازی ایجاب می کرد که به مناسبت‌های مختلف مسائل گوناگون اجتماعی - سیاسی را درس خارج خویش مطرح کند.

• از جمله این مسائل، درخواست اعزام نماینده‌ای سیاسی از سوی دولت ایران به سامراء و اعتراض میرزا به دولت عثمانی به سبب جلوگیری از برگزاری مراسم عزاداری در کاظمین و بغداد در سال ۱۳۰۵ق و تبیین و شرح اصول مذهب امامیه برای اثبات حقانیت آن بود.

چاره‌اندیشی مرحوم میرزای شیرازی برای برطرف کردن آثار قحطی در نجف، از این قبیل است. پیدایش این قحطی عوامل مختلفی داشت. اقتصاد عتبات عالیات وابستگی شدیدی به میزان حضور زوار به‌ویژه زوار ایرانی داشت و البته اکنون نیز همین‌گونه است. در سال ۱۲۹۲ق تعداد زوار ایرانی در عتبات به یکصد هزار نفر رسید که بدین‌وسیله عراق مبلغ دومیلیون تومان برای مخارج این سفر زیارتی واردات ارزی داشت.^{۲۳} تعداد این زوار در سال ۱۳۰۶ق به یکصد و پنجاه هزار نفر رسید. در سال ۱۲۹۵ق به علت ناآمنی مسیرها و عدم عزیمت زوار، کسادگی کم‌نظیری در بازار روی داد.^{۲۴}

• یکی دیگر از منابع درآمد عتبات، عوارض ورودی سنگین برای انبوه جنازری بود که به قصد دفن در عتبات به عراق وارد می‌شد. این مبلغ، گاه حتی به سه تومان برای هر جنازه می‌رسید.

• خانم «دیو لافوا» کاوشگر و خاورشناس فرانسوی در بازدید خود از شهرهای عراق در سال ۱۲۹۸ق می‌نویسد:

به علت سرمای شدید به درون کاروانسرا رفتیم و درون یکی از طاق‌نماها نشستیم. جعبه‌های زیادی را دیدم که طول هر یک از آنها نزدیک به دو متر بود. این جعبه‌ها را در طاق‌نمای کناری روی هم قرار داده بودند. معلوم بود این جعبه‌ها متعلق به زوار ایرانی است که قبل از ما به این کاروانسرا وارد شده‌اند... درب جعبه‌ها را باز کردم؛ خواب نمی‌دیدم؛ درون تمام این جعبه‌ها اجساد بود که برخی را در گلیم و برخی به صورت‌های دیگر بودند... من واقعاً ایرانیان را تحسین می‌کنم و مقام آنها را محترم می‌شمارم که از روی حق و حقیقت، معتقد به خلافت علی علیه السلام شده‌اند و از او پیروی می‌کنند و تا این اندازه به اولاد او عقیده دارند که حتی پس از مرگ هم برای آخرین بار به کربلا مسافرت می‌کنند. این در حالی است که

مسافرت از ایران تا مدفن حسین علیه السلام بیش از شش ماه طول می‌کشید.^{۲۵}

• یکی دیگر از منابع درآمد عتبات، عوارض ورودی سنگین برای انبوه جنازری بود که به قصد دفن در عتبات به عراق وارد می‌شد. این مبلغ، گاه حتی به سه تومان برای هر جنازه می‌رسید.

• در سال ۱۲۹۶ق میرزا حسام‌السلطنه، والی کردستان ایران فوت کرد. او وصیت کرده بود که پس از مرگ، جسدش را به کاظمین برده و برای همدردی با امام موسی بن جعفر علیه السلام جنازه‌اش را به مدت نصف روز بر روی پل معروف بغداد قرار دهند و سپس برای دفن به روضه منوره منتقل کنند؛ اما میرزای شیرازی بنا بر مصالحی که در نظر داشت و به سبب پرهیز از ایجاد فتنه میان شیعه و سنی در کاظمین، فتوایی مبنی بر عملی نبودن بخش اول وصیت صادر کرد، ولی بنا بر خواسته حسام‌السلطنه، او را در حرم مطهر امام علیه السلام به خاک سپردند.

• کاروان‌های زیارتی شیعیان از سرتاسر جهان به کربلا می‌آیند. مسیر را در خشکی و دریا می‌پیمایند تا خود را به حرم امام حسین علیه السلام برسانند؛ از مناطقی بسیار دور که شاید چندین ماه طول می‌کشید؛ مانند کاروانی چهارصد نفره که در سال ۱۲۹۶ق از روسیه به کربلا وارد شد.

• این کاروان‌ها گاهی با بلایای طبیعی مواجه شده و صدمات بسیاری می‌دیدند؛ مانند غرق شدن ۱۹۰ زائر ایرانی در رود فرات، به دلیل طوفان شدید و طغیان رودخانه.

• آیه‌الله سید احمد مجتهدی و مرحوم علامه طباطبایی که در آن وقت در نجف مشغول تحصیل بودند، برای کمک به آسیب‌دیدگان، خود را به کربلا رساندند.^{۲۶}

• من واقعاً ایرانیان را تحسین می‌کنم و مقام آنها را محترم می‌شمارم که از روی حق و حقیقت، معتقد به خلافت علی علیه السلام شده‌اند و از او پیروی می‌کنند و تا این اندازه به اولاد او عقیده دارند که حتی پس از مرگ هم برای آخرین بار به کربلا مسافرت می‌کنند. این در حالی است که مسافرت از ایران تا مدفن حسین علیه السلام بیش از شش ماه طول می‌کشد.

• نایب‌الصدر شیرازی^{۲۷} که در سال ۱۳۰۶ ق بازدیدی از سامراء داشته، فضای شورانگیز علمی دوره زعامت میرزای شیرازی را این‌گونه توصیف می‌کند: نزدیک به سیصد طلبه قریب الاجتهاد در محضر میرزای شیرازی درس می‌خوانند و حتی نقل شده که مرحوم میرزا درسی نیز مخصوص بانوان داشته و تعدادی از زنان طلبه برای درس به خانه میرزا در سامراء می‌رفتند و بعد از گذشت سه یا چهار سال تحصیل علوم دینی، به مناطق خود بازمی‌گشتند.^{۲۸}

• میرزای شیرازی علاوه بر درس و وعظ، به امور مسلمانان کشورهای دیگر، مخصوصاً ایران توجه خاصی داشتند. در سال ۱۳۰۸ ق بعد از نامه‌ای که سید جمال‌الدین اسدآبادی - که خود درس خوانده مدرسه حسن خان کربلا بود^{۲۹} - برای میرزای شیرازی نوشت و در این نامه شرایط قرارداد ننگین ایران و انگلستان را در مورد انحصار تجارت توتون و تنباکو و اعطای امتیازات فراوان ناصرالدین شاه به انگلستان را یادآور شد، مرحوم میرزا فتوای تحریم تنباکو را صادر کرد و علمای کربلا نیز از این فتوا حمایت کردند.^{۳۰}

• به دنبال اعتراض مرحوم میرزا به ممانعت از برگزاری مجالس عزاداری، حسن رفیق‌پاشا برای برپایی مجالس روضه در محرم، مجوزی صادر کرد و به همین دلیل حکومت عثمانی او را از مقام خود عزل کرد و تحت پیگرد قرار داد. در سال ۱۳۱۲ ق دولت عثمانی با هدف مقابله با فراگیر شدن مذهب تشیع در عراق، سیاست‌های تشویقی و حمایتی را درباره طلاب و علمای اهل سنت به اجرا درآورد که وقتی پانزده سال بعد (۱۳۲۷ ق) آثار شکست این توطئه آشکار شد، تشویق و حمایت که هیچ، مستمری ماهانه طلاب سنی به دلیل عدم قدرت مقابله با گسترش تشیع، قطع شد.

• دولت عثمانی که وجود میرزای شیرازی را مانعی در برابر کارها و تصمیمات خویش تلقی می‌کرد، با فوت میرزا در سال ۱۳۱۷ ق فشار را بر طلاب و علمای شیعه بیشتر کرد و

طلاب علوم دینی و حتی مراجعی مانند شیخ محمدحسن نجفی (صاحب جواهر) را برای گذراندن دوره خدمت نظام وظیفه فراخواند!

• نزدیک به سیصد طلبه قریب الاجتهاد در محضر میرزای شیرازی درس می‌خوانند و حتی نقل شده که مرحوم میرزا درسی نیز مخصوص بانوان داشته و تعدادی از زنان طلبه برای درس به خانه میرزا در سامراء می‌رفتند و بعد از گذشت سه یا چهار سال تحصیل علوم دینی، به مناطق خود بازمی‌گشتند.

• از سوی دیگر، در این روزها حمله کفار به ممالک اسلامی اوج گرفته و مسلمانان مورد تعرض و حملات نظامی آنها قرار گرفته بودند؛ مانند مسلمانان قفقاز که در سال ۱۳۲۴ ق مورد حمله ارامنه قرار گرفتند و علمای عتبات به جواز مصرف نمودن سهم امام علیه السلام در راه تهیه سلاح برای دفاع از آنان فتوا دادند، و یا خود ایران که مورد طمع کفار روس و انگلیس بود و شاه کم‌خردی هم‌چون محمدعلی شاه نیز تحت سلطه فکری آنها بر مردم فشار می‌آورد که در پی آن، علمای شیعه عراق در مخالفت با استبداد محمدعلی شاه (استبداد صغیر) دست به صدور فتوا علیه او زدند.^{۳۱}

• ایران در این روزها در حال و هوای مشروطه‌خواهی مردم و استبدادطلبی شاه، اوضاع سیاسی خوبی نداشت. آخوند خراسانی که خود مدافع سرسخت مشروطه‌خواهی در ایران بود، در یک سخنرانی که در سال ۱۳۲۶ ق ایراد می‌کند، می‌گوید:

... بر احدی از مسلمین شک و شبهه‌ای نیست که سلطنت ایران، سلطنت جور بوده و سلطانش جائز است؛ لهذا برای جلوگیری از افعال و حرکات سلطان و استنقاد حقوق کلیه ملیه اسلامی، حکم به مشروطیت کردیم. مردم ایران در ابتدا گمان می‌کردند مشروطیت (فقط) تحدید امور دولتیان است؛ زمانی نگذشت که فهمیدند مشروطیت تحدید هر کسی است که بخواهد دست تعدی دراز کند؛ چه از دولت باشد و چه از ملت.^{۳۲}

• هم‌چنین مرحوم آخوند تلگرافی به قوای نظامی ایران فرستادند تا به مردم ملحق شوند و از زیر یوغ استبداد نجات یابند. ایشان تلگرافی نیز برای مردم ایران فرستاده و هشدار دادند تا زمان رسیدن به درخواست‌هایشان که مهم‌ترینش تشکیل مجلس

شورای ملی بود، هیچ‌گونه مالیاتی به دولت نپردازند.^{۳۳}

• در این زمان، در گوشه‌های دیگر از سرزمین‌های اسلامی حوادثی چند رقم خورد. دولت ایتالیا به لیبی حمله برد و مرحوم سید کاظم یزدی (صاحب عروه) در باب وجوب دفاع از لیبی و مردم آن فتوایی صادر کرد.^{۳۴}

• این اتفاقات در سال ۱۳۲۹ ق همزمان با آغاز جنگ جهانی اول بود و نیروهای انگلیسی حاضر در عراق سعی بسیار داشتند تا خود را نزد علمای شیعه پاک و بی‌گناه جلوه دهند؛ به همین دلیل اعلامیه‌های متعددی صادر کردند مبنی بر این که حضورشان در عراق، برای نجات مردم و آزادی خاک آن سرزمین بوده است!^{۳۵}

• اما مرحوم سید ابوالقاسم کاشانی^{۳۶} و مرحوم سید محمد کاظم یزدی به صراحت با آنها و نیت شومشان مخالفت کردند و رسوای‌شان ساختند. اتفاقاً در همین سال درگیری صهیونیست‌ها با مردم مظلوم فلسطین آغاز شد.

• علمای بزرگ عراق در ضرورت یاری به فلسطینیان فتوایی قاطع صادر کردند و در این فتوا دست به روشن‌گری علیه کفار روس، انگلیس و آمریکا زدند؛ تا حدی که فرزند آیت‌الله کاشانی به آناتولی تبعید شد و سید کاظم یزدی از سوی اشغالگران انگلیسی تهدید به اخراج از عتبات شد، ولی ایشان توجهی به این تهدید نکرد.

• به دنبال این وقایع، میرزا محمد تقی شیرازی، رهبر انقلاب مردم عراق در سال ۱۹۲۰ میلادی فتوای مهمی صادر کردند مبنی بر این که غیرمسلمان نمی‌تواند بر مسلمان سلطنت داشته باشد؛ حتی اگر خود مسلمان این‌گونه بخواهد.^{۳۷} هم‌چنین ایشان با جمعی از علما و بزرگان سیاسی عراق طرحی را برای پرچم رسمی کشور آماده کردند. تا این که در سال ۱۳۳۹ قمری (مصادف با ۱۹۲۰ م) میلادی، انقلاب مردم عراق علیه استعمار انگلیس به رهبری میرزا محمد تقی شیرازی به پیروزی رسید و استقلال این کشور اعلام شد.

پی‌نوشت

۱. این مقاله برگرفته از کتاب «بازسازی تاریخ فراموش شده» نوشته سید علی موجانی است.
۲. یکی از امرای خاندان آل‌بویه در ایران و عراق.
۳. او در روستای واسط عراق به دنیا آمد و در سال ۳۶۹ ق درگذشت.
۴. یا «پناه خسرو».
۵. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۹، ص ۶۸۱.
۶. تاریخ، فقهی، ص ۴۵۸.
۷. ابن‌اثیر جزری، الکامل فی التاریخ، ج ۲۴، ص ۱۱۰.
۸. جهانگرد مسلمان مراکنی الاصل.
۹. ابراهیم الحیدری، ترازوی کربلا، ص ۲۶۵.
۱۰. جعفر خلیلی، موسوعه عتبات مقدسه، ج ۷، ص ۵۴.
۱۱. سید محمد کاظم مدرسی و میرزا محمد کاظمینی، مفاخر یزد، ج ۱، ص ۱۴۶.
۱۲. عبدالحسین سینتا، تاریخچه اوقاف اصفهان، ص ۴۱.
۱۳. جعفر مجبویه، ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۲۲۲.
۱۴. عباس عزوی، تاریخ العراق بین احتلالین، ج ۶، ص ۱۴۴.
۱۵. ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۲۱۴.
۱۶. عبدالحججه بلاغی، تاریخ نجف اشرف و حیره، ج ۲، ص ۴۷۸.
۱۷. سید حسن امین، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۲۳۹.
۱۸. محمد حرزالدین، معارف الرجال، ج ۱، ص ۲۱۵.
۱۹. روزنامه وقایع اتفاقیه، ش ۷۶، ص ۲.
۲۰. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، مدخل «امیرکبیر».
۲۱. سفرنامه ادیب الممالک به عتبات، ص ۱۷۸.
۲۲. ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۱۷۸.
۲۳. چارلز عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران، ص ۱۹۷.
۲۴. روزنامه اختر، شماره ۲۳.
۲۵. زان دیولافوا، ایران، کلد و شوش، ص ۶۳۸.
۲۶. روزنامه اختر، شماره ۳۴.
۲۷. مؤلف کتاب طرائف الحقایق.
۲۸. میرزا محمد معصوم شیرازی (نایب‌الصدر)، سفرنامه مکه، ص ۲۷۷.
۲۹. تاریخ کربلا، سلمان هادی آل‌طعمه، ص ۲۰۲.
۳۰. شیخ ذبیح الله محلاتی، مآثر الکبرا فی تاریخ السامراء، ج ۲، ص ۲۷.
۳۱. روزنامه حبل‌المتین، سال ۱۳، شماره ۳۴.
۳۲. روزنامه شمس، شماره ۱۳۲۶۶.
۳۳. روزنامه حبل‌المتین، شماره ۴۳.
۳۴. مجله لفة العرب، شماره ۷، ص ۲۷۳.
۳۵. ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۳۵۲.
۳۶. ایشان از رهبران ملی شدن صنعت نفت در ایران بود.
۳۷. عبدالرزاق الحسنی، العراق فی دوری الاحتلال و الانتداب، ج ۱، ص ۷۴.